

## مواضع و حمایتهای سیاسی اردن از عراق در جنگ تحمیلی

محمد محمدپور \*

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

### چکیده

حمایت‌های اردن از عراق ابعاد مختلفی را در بر می‌گرفت، از جمله: حمایت از عراق در روابط دو جانبه، حمایت از رژیم بعثی در جهان عرب و نیز در مجامع بین‌المللی. مواضع جانبدارانه و حمایت‌گرانه اردن از عراق در قالب‌های گوناگونی نظیر تلاش برای معرفی چهره‌ای صلح‌طلب از عراق، جلب حمایت سایر کشورها از عراق و تصویب قطع‌نامه‌هایی متناسب با منافع عراق در مجامع بین‌المللی بروز می‌یافت. نوشتار حاضر بر آن است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌ها، اسناد و منابع موجود به بررسی حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک اردن از عراق در سطوح مورد اشاره، پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده حمایت همه جانبه، یکدست و بلاانقطاع اردن از عراق است.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ ایران و عراق، اردن، حمایت سیاسی، ناسیونالیسم عربی، کمیته آشتی اعراب، قطعنامه ۵۹۸.

## مقدمه

سقوط نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی با کارویژه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری آن از همان ابتدا اجماع قدرتهای بزرگ نظام بین‌الملل، علیه خود را به همراه داشت. از یک سو، امریکا پس از بی‌ثمر ماندن اقدامات محدودکننده‌ای مانند ایجاد بحرانهای داخلی از جمله در کردستان، گنبد و کودتای نافرجام نقاب علیه انقلاب نوپای ایران از مدیریت رفتار سیاسی ایران ناامید شد. از سوی دیگر با سقوط رژیم پهلوی، آرزوی ایفای نقش ژاندارم در منطقه و رهبری جهان عرب در میان سران عراق جان تازه‌ای گرفت. بر این اساس، رژیم بعثی عراق و در رأس آن صدام حسین، که انگیزه و اراده لازم را برای مقابله با ایران داشت، آغازگر جنگی نیابتی علیه انقلاب اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا شد.

در این مقطع، شروع روند نزدیکی به غرب نیز از جمله تغییرات عمده در سیاست خارجی عراق بود. بخشی از این فرایند شامل ارتباط عراق با آن دسته از همسایگان خود می‌شد که در بلوک‌بندی جهانی از وابستگان امریکا به شمار می‌آمدند. در این میان اردن به عنوان هماهنگ‌کننده اهداف راهبردی امریکا با کشورهای منطقه از جمله کشورهایی بود که نقش و همکاری مؤثری با امریکا برای فعال‌سازی و تحریک عراق علیه ایران ایفا کرد. کشور اردن در تعارض ایدئولوژیک با ایران قرار داشت. طبعاً عراق که خط مقدم جبهه عربی - ایرانی به شمار می‌رفت، ترکیبی از انگیزه‌های ایدئولوژیک و راهبردی برای حمله نظامی به ایران نیاز داشت.

دولت اردن اگرچه ظاهراً خشنودی خود را از انقلاب اسلامی اعلام کرده بود در واقع از صدور انقلاب اسلامی و احتمال گسترش فعالیت اسلامگرایان نگران بود. این کشور با شروع جنگ در گروه حامیان ثابت قدم عراق قرار گرفت. حمایت‌های همه‌جانبه اردن از عراق شامل ابعاد سیاسی، نظامی - تسلیحاتی، اقتصادی و... می‌شد.

این مقاله با استفاده از منابع، به طور خاص حمایت‌های سیاسی اردن از عراق را در طول جنگ هشت ساله بررسی می‌کند. تمرکز اصلی این پژوهش بر عملکرد، فعالیتها و مواضع اردن در عرصه‌های مختلف با هدف تلاش برای معرفی عراق به عنوان یک نظامی صلح‌طلب و در مقابل، تخریب وجهه جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است.

## ۱ - چهارچوب مفهومی

دولتها بر اساس نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل، جهتگیریها و راهبردهای خاصی را به منظور تأمین اهداف و منافع ملی خویش بر می‌گزینند. بنابراین در هر مخاصمه‌ای که در سطح بین‌المللی رخ می‌دهد، دسته‌ای از کشورها رویاروی دسته‌ای دیگر قرار می‌گیرند. دسته‌ای دیگر از کشورها نیز هستند که به یکی از طرفهای درگیر متمایل، یا حامی و متحد آنها محسوب می‌شوند. دسته سوم کشورهایی هستند که می‌کوشند خود را از جریان مخاصمه دور نگه دارند که این گروه را کشورهای بیطرف می‌نامند. در عرف بین‌المللی، حقوق و تکالیفی بر هر کدام از این کشورها مترتب است. بنابراین در نزاعهای بین‌المللی کشورهای مختلف با توجه به تقابل منافع و راهبردها، جهتگیریهای مختلفی را در پیش می‌گیرند. مهمترین جهتگیریها و راهبردهای دولتها در منازعات بین‌المللی عبارت است از: اتحاد یا ائتلاف، بیطرفی، انزواطلبی و عدم تعهد (قوام، ۱۳۷۲: ۱۴۶)؛ با این حال باید توجه کرد که جهتگیری سیاسی دولتها را نمی‌توان به یک قاعده ثابت و تغییرناپذیر محدود کرد؛ چراکه اولاً، متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار واحدهای سیاسی بسیار گوناگون و دارای جنبه‌های کیفی است. ثانیاً، واکنش واحدهای سیاسی در برابر آنها یکسان نیست. تشریح معنا و مفهوم طرفداری و بیطرفی و ریشه‌های آن، انواع کمکها و ابعاد آنها می‌تواند وضعیت، سیاست و عملکرد طیفهای مختلف را در برابر جنگ قابل فهمتر سازد. بر این اساس در ادامه چند مفهوم مرتبط با موضوع تحقیق تبیین شده است:

الف - اتحاد<sup>۱</sup> و تعهد<sup>۲</sup>: تعهد دولت یا دولتهایی در مقابل یکدیگر برای تأمین کمکهای سیاسی و نظامی در صورت وقوع جنگ است. اتحاد بر دو نوع است: تدافعی و دفاعی - تهاجمی. در نوع اول، متعهدان به دفاع از هر تعهدی ملزم هستند که مورد حمله واقع شود. در نوع دوم، حتی زمانی که یکی از متحدان به کشوری دیگر حمله کند، دیگر متعهدان به دخالت ملزم خواهند بود. (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۶). درباره این راهبرد در نظر گرفتن متغیرهایی چون نیازهای داخلی، میزان برخورداری از قدرت، وضعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، میزان تهدیدات و فشارهای بین‌المللی ضروری است. به طور کلی، علت عمده متعهد شدن واحدهای سیاسی به یکدیگر، افزایش نفوذ

1 - Alliance

2 - Obligation

سیاسی، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق هدفها و منافع از طریق ترکیب تواناییهای سیاسی، اقتصادی و نظامی است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۶ و ۳۵).

ب - بی‌طرفی\*<sup>۱</sup>: خودداری هر کشور از شرکت در جنگ بین کشورهای دیگر است. کشورهای بیطرف به دولتهایی گفته می‌شود که در مناقشه بین دو یا چند دولت مداخله نمی‌کنند. اگر دولتی بخواهد بیطرف باقی بماند و مشمول حقوق بیطرفی شود، باید تعهدات ویژه‌ای را بپذیرد و بویژه از دخالت در امور جنگ خودداری کند (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۴۰). در مواقعی که تجاوزی رخ می‌دهد بیطرفی کامل می‌تواند همچون سیاستی غیر اخلاقی به شمار آید؛ زیرا چنین سیاستی میان متجاوز و قربانی تجاوز فرق نمی‌گذارد (پلینو و آلتون، ۱۳۷۵: ۳۴۹).

ج - انزوای طلبی<sup>۲</sup>: لزوم پیروی از خط‌مشی و سیاست کناره‌گیری و فرار و پرهیز علنی هر ملت از همکاری سیاسی و اقتصادی با ملل دیگر است. این راهبرد بر آن است که مراودات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با دیگر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. دولتی که از این راهبرد پیروی می‌کند، اصولاً موافق حفظ وضع موجود، و حوزه اطلاق منابع آن محدود است (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۲۵).

\* بیطرفی اقسام گوناگونی دارد که عبارت است از: بیطرفی حقوقی، بیطرفی سنتی، بیطرفی موقت، بیطرفی پایدار، بیطرفی مثبت و بیطرفی منفی:

- بیطرفی حقوقی، ناشی از قراردادی است که به سبب آن حقوق و تکالیفی به کشور بیطرف واگذار می‌شود.  
- بیطرفی سنتی، سیاستی است که هر کشور به منظور برکنار ماندن از مخاطرات، میان دولتهای دیگر اتخاذ می‌کند و قدرتهای بزرگ نیز در طول تاریخ استقلال و حاکمیت آن را تضمین کرده‌اند.  
- بیطرفی موقت، معمولاً در دوران جنگ به منظور جلوگیری از گسترش منازعه به کشورهای همجوار اتخاذ می‌شود. بنابراین، دولتی که این موضع را اختیار می‌کند، می‌کوشد خود را از صحنه نبرد کنار بکشد.  
- بیطرفی پایدار، نوعی راهبرد است که هر دولت به عنوان چارچوب کلی سیاست خارجی خود برای مدت زمانی طولانی بر می‌گزیند.

- بیطرفی مثبت، سیاستی است که هر دولت به منظور پرهیز از ورود به جنگ و اتحادیه‌های نظامی اتخاذ می‌کند و در عین حال کوشش لازم را برای محدود ساختن جنگ و جلوگیری از ورود دیگر دولتها به صحنه درگیری به عمل می‌آورد. این نوع بیطرفی معمولاً جنبه اخلاقی دارد.

- بیطرفی منفی، در مقابل بیطرفی مثبت قرار دارد. دولتی که این موقعیت را انتخاب می‌کند در صحنه سیاست بین‌الملل بیشتر دارای نقش انفعالی است و به جای ایفای نقشی فعال در جلوگیری از درگیریها سعی می‌کند به هر وسیله‌ای خود را از مناقشات بین‌المللی و منطقه‌ای دور نگه دارد (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۴۰).

1 - Neutrality

2 - Isolationism

د - عدم تعهد<sup>۱</sup> یا سیاست عدم وابستگی جهت‌گیری جدیدی در سیاست خارجی برخی دولتها در نیمه قرن بیستم بود که به دنبال جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دو قطبی (بلوک شرق و غرب) و با هدف کناره‌گیری از دسته‌بندی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی رایج (نظام دو قطبی)، سیاست‌های مستقلی در روابط بین‌الملل مبنی بر نفی هر نوع وابستگی را در پیش گرفتند (پلینو و آلتون، ۱۳۷۵: ۵۲ و ۵۱).

سیاست‌های انزوطلبی و عدم تعهد، موضوع بحث این تحقیق نیست. درباره وضعیت روابط اردن و عراق به نظر می‌رسد علاوه بر راهبردهای کلی یاد شده بر متغیرهای دیگری نیز باید تأکید کرد: اول همگرایی عربی: به طور کلی همگرایی<sup>۲</sup> می‌تواند دربرگیرنده معانی متفاوتی باشد. گرایش دو اندیشه یا تفکر به یک جهت، وجود ویژگی‌های مشابه بین گروه‌های فرهنگی، نژادی و نظایر آن در نقاط گوناگون بدون ارتباط قبلی با یکدیگر و... (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۲۷۳). منظور از همگرایی عربی در این نوشتار، تلاش برخی کشورهای عرب - با صبغه ناسیونالیسم عربی و به طور خاص، اردن - برای ایجاد یک جبهه متحد به منظور رفع اختلافات لیبی و سوریه با عراق و جدایی آنها از ایران بود.

دوم حمایت سیاسی<sup>۳</sup>: این نوع حمایت یک دولت از دولت دیگر، که مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته است به تمام اقدامات و فعالیتهای یک دولت به منظور احقاق حقوق دولت مورد حمایت در عرصه‌ها و مجامع مختلف گفته می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

حمایت‌های سیاسی اردن از عراق در طول جنگ، تمام اقدامات و پشتیبانی‌های مادی و معنوی (علاوه بر کمک‌های مالی و نظامی) از جمله، حمایت‌های سیاسی - تبلیغاتی این کشور را از اهداف و آرمانهای عراق در مجامع مختلف در بر می‌گیرد. این حمایتها در قالب سه بخش قابل دسته‌بندی و بررسی است:

بخش اول) حمایت در روابط دو جانبه: در این سطح، روابط دو جانبه اردن و عراق قبل و در طول جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه در خلال این بحث قابل ذکر است، گذری بر تحلیل رفتار اردن از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن در مناسبات منطقه‌ای و در نهایت گرایش به سمت عراق و حمایت‌های بی‌شائبه سران این کشور از عراق - با وجود اختلافات

1 - non alignment

2 - Convergence/Integration

3 - Diplomatic Protection

قبلی و سردی روابط میان آنها - بود.

بخش دوم) حمایت در جهان عرب: در این سطح، اقدامات و تلاشهای منطقه‌ای اردن به منظور جانبداری از دیدگاه‌های عراق در مجامع عربی با هدف اقناع و جلب حمایت آنها و تلاش برای پیوند جنگ ایران و عراق با وحدت اعراب و... بررسی می‌شود.

بخش سوم) حمایت در مجامع بین‌المللی: دولت اردن در این سطح - با توجه به اینکه نماینده این کشور در مقطعی ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را عهده‌دار بود - اقدامات گسترده‌تری را در حمایت از منافع عراق انجام داد. اردن در تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی (از جمله در شورای امنیت سازمان ملل) علیه ایران و در حمایت از عراق نقش مهمی ایفا کرد.

## ۲ - حمایت از طریق توسعه روابط دوجانبه

### ۱ - ۲ - روابط عراق و اردن

جریانهای اصلی حاکم در جهان عرب حاصل پیوند دو مقوله محافظه‌کاری و ناسیونالیسم عربی بود. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رشد ناسیونالیسم و پیوند آن با سوسیالیسم به ایدئولوژی حاکم در عراق یعنی ایدئولوژی حزب بعث تبدیل شد. نقش نیروهای نظامی و خشونت، رعب و وحشت در برخورد با اقلیتهای دینی و مذهبی، ضرورت تراشیدن یک دشمن خطرناک خارجی به عنوان بهانه‌ای برای سرکوب مخالفان داخلی، استحاله ارتش از نهادی پر قدرت و تعیین‌کننده به صورت ابزاری برای رئیس‌جمهور و... از ویژگیهای بارز ایدئولوژی جدید حاکم در عراق به شمار می‌آید. ماهیت رژیم بعث و ایدئولوژی حاکم بر آن، موجب تمرکز قدرت در داخل عراق و زمینه‌ساز مطرح شدن عراق برای سیادت جهان عرب بود. بنابراین عراق ابتدا با انگیزه پان‌عربیسم (وحدت عربی)، اندیشه رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند. اختلافات تاریخی و مسائل مرزی بین دو کشور و هم‌چنین سقوط حکومت پهلوی و بی‌تجربگی نظام جدید، فرصتی تاریخی برای مطرح شدن این کشور را فراهم آورد.

مصر رهبری جهان عرب را تا پایان جنگهای اعراب و رژیم صهیونیستی برعهده داشت؛ اما پس از صلح مصر و اسرائیل و به رسمیت شناخته شدن این رژیم توسط مصر، موقعیت این کشور تضعیف، و فرصت برای دیگر بازیگران مقتدر فراهم شد. عراق نیز در این مقطع در اندیشه رهبری جهان عرب بود؛ بنابراین، ابتدا سیاستهای کشور اردن را در برابر مسائل منطقه غرب آسیا بویژه مسئله فلسطین تخطئه می‌کرد و از لحاظ ایدئولوژیک اردن را از عمال امپریالیسم در منطقه

می‌دانست و روابط حسنه‌ای با این کشور نداشت. از سوی دیگر، اردن دارای نظامی محافظه‌کار با سامانه حکومتی پادشاهی بود که از حیث تاریخی، نژادی و مذهبی اشتراکات بیشتری با عراق داشت؛ از این رو با شروع جنگ با وجود تضاد در ساختار حکومتی دو کشور و برخی مسائل سیاست خارجی، اردن با عراق متحد شد و از این کشور حمایتی همه‌جانبه به عمل آورد. در واقع دولت اردن با توجه به روابط حسنه‌ای که با پادشاه ایران داشت و از طرفی به دلیل ترس از تأثیر احتمالی انقلاب ایران در جریانات سیاسی و مذهبی آن کشور از پیروزی انقلاب در ایران ناخشنود بود. شاه اردن اگر چه پیروزی انقلاب را به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تبریک گفت در باطن از وقوع این تحول بزرگ در منطقه چندان راضی به نظر نمی‌رسید و این ناخرسندی را در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود ابراز می‌کرد (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۷۱ - ۲۶۷).

بدین ترتیب، در حالی که رابطه اردن و عراق قبل از شروع جنگ تیره بود و صدام روابط دوستانه‌ای با ملک حسین نداشت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شروع تهاجم نظامی عراق علیه ایران، انگیزه‌های مختلفی پیوند این دو کشور را با هم محکمتر کرد. سیاست رژیم عراق اغلب در جهت بهبود روابط با کشورهای عرب همسو با آمریکا و غرب از جمله اردن فعال شد. دبیر ویژه امور امنیت ملی صدام، خانم خالده عبدالقهار عبدالرحمن درباره چگونگی برقراری ارتباط بین آمریکا و عراق توسط شاه حسین اردنی گفت: «شاه حسین یکی از حلقه‌هایی بود که زنجیر نوکری صدام به آمریکا را وصل کرد. تقریباً از شش ماه قبل از حمله به جمهوری اسلامی ایران، تمام برنامه‌های تسلیحاتی، هزینه‌ها، تبلیغات و دیگر امکانات جنگ آماده شده بود و ملک حسین در تلویزیون عراق گفت: «من اولین سرباز این جنگ خواهم بود» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۳/۲۸، ص ۲).

ملک حسین با شروع بحران در روابط ایران و عراق در جلسه کابینه اردن موضع این کشور را در برابر این بحران چنین بیان کرد: «وظیفه اعراب است که برای حفظ وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطر در هر کجا که باشد همکاری کنند. ما وظیفه داریم که جهان اسلام را قرین همبستگی داشته باشیم. ما می‌خواهیم که ایران پشتیبان ما باشد و در آن آرامش برقرار و دارای خط‌مشی درستی باشد. عراق کشوری عربی و برادری است که نباید مورد هیچ‌گونه تهدید خارجی قرار گیرد و یا آسیبی از هر منبعی که باشد به آن برسد. ما به عنوان عرب نباید اجازه دهیم هیچ‌گونه تجاوز از هر مصدر که باشد به هیچ جزئی از خاک میهن عرب صورت گیرد» (وزارت امور

خارجه، ۱۳۶۷: ۸۷ - ۸۸). بتدریج و با تداوم جنگ، مواضع مقامات سیاسی اردن بویژه شاه حسین علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی شکل خصمانه‌تری یافت. در پی دیدار ملک حسین با افسران ارتش اردن، وی ضمن حمله به امام خمینی در مورد انقلاب اسلامی چنین موضعگیری کرد: «انقلاب ایران انقلاب گروهی کینه‌توز است که از اعراب و مسلمانان نفرت دارند. من می‌دانم که مردم اردن موضع ما را در پشتیبانی از عراق تأیید نمی‌کنند و از خود می‌پرسند که چرا این گلوله‌ها به سوی اشغالگران قدس شلیک نمی‌شود و چرا در زمان شاه، کسی به جنگ با ایران برخاسته است. ولی نباید از یاد برد که بغداد برای استرداد حقوق قومی اعراب می‌جنگد و ما می‌خواهیم این حقوق باز پس گرفته شود. به همین دلیل با همه امکانات خود از عراق جانبداری می‌کنیم... وقتی رژیم بغداد از ما خواست که بندر عقبه را برای ورود کالاهای مورد نیاز عراق باز بگذاریم، قبول کردیم و به بغداد اطلاع دادیم که آماده ارسال کمکهای نظامی هم هستیم.» وی در ادامه این دیدار به افسران اردنی گفته بود، در صورت پیروزی عراق بر ایران، صدام حسین یک لوله نفتی به اردن خواهد داد و ماهانه مبلغ پنجاه میلیون دینار به وی پرداخت خواهد کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱۲: ۱۰).

بعد از برگزاری اجلاس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس،\* روابط عراق و اردن روز به روز نزدیکتر و عمیقتر شد و ملک حسین ضمن موضعگیری صریح به نفع عراق و علیه ایران با کمکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان، حمایت و پشتیبانی خود را از عراق تداوم بخشید. در طول جنگ هشت ساله عراق و ایران، بخش قابل توجهی از سامانه حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب، علاوه بر اینکه شبکه حمل و نقل گسترده‌ای بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه برای نقل و انتقال سلاح و تجهیزات نظامی سبک و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت، دولت اردن نیروهای نظامی خود را برای سرکوب مردم مسلمان عراق و ایران به عراق گسیل کرد. ملک حسین نیز در نطق‌ها و سخنرانیهای مختلف از رژیم عراق و صدام حمایت می‌کرد. وی در این زمینه اظهار کرد: «اگر ضرورت ایجاب کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام

\* دو کنفرانس در تاریخ‌های ۱۹۷۸/۱۱/۵ و ۱۹۷۹/۱۱/۲۳ در بغداد و تونس برگزار گردید. کنفرانس بغداد عضویت مصر را به حالت تعلیق در آورد و کنفرانس تونس خط‌مشی معینی را برای تحرکات سیاسی در مقابله با توافق دو جانبه کمپ دیوید، خواه از نظر ارتقای هماهنگی و پیوستن اعراب به گروه‌های مهم بین‌المللی و یا از نظر پیوند با دولتهای بیگانه به طور یکجانبه برگزید.



خواهد کرد» (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۷: ۸۸). پادشاه اردن هم‌چنین در گفت‌وگوهای تلفنی با صدام حسین، حمایت و پشتیبانی اردن از عراق را در مبارزه با ایران اعلام کرده و گفته بود: «میل داریم موضع اردن را در پشتیبانی و حمایت از دولت عراق در دفاع از خاک خود اعلام کنیم...» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲۵: ۱). طبق گزارش رادیو صوت‌الجماهير، ملک حسین بار دیگر در تماس تلفنی با صدام حسین اعلام کرد که دولت و ملت اردن کنار عراق در مبارزه برای بازگرداندن حقوق کامل خود خواهند ایستاد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۳۰: ۱۵ و ۱۴).

خبرگزاری آسوشیتدپرس در تفسیری در مورد بهبود روابط عراق با اردن با یادآوری این نکته که دولت‌های عراق و اردن «ایدئولوژیهای مغایر با یکدیگر دارند» چنین آورده است: «عراق و اردن با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی خود به سالها سوءظن و دشمنی دو جانبه خاتمه می‌دهند. ... این نزدیکی، جنبه‌های عملی نیز دارد. مقامات اردنی، عراق را به خاطر پرداخت فوری کمک‌هایی که در کنفرانس سران عرب تقبل کرده است و دیگر سرمایه‌گذاریهای آن، مورد ستایش قرار داده‌اند» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۲: ۴).

در ادامه روند نزدیکی و تقویت مناسبات عراق با رژیم‌های عرب همسو با غرب، این کشور روابط خود را با اردن روز به روز مستحکم‌تر کرد. برخی اخبار در این زمینه بیانگر این است که دو رژیم، قراردادی به منظور تأسیس یک شرکت حمل و نقل با سرمایه ۷/۵ میلیون دلار منعقد کردند که بر طبق آن عراق می‌توانست از بندر عقبه\* برای ورود کالا به این کشور استفاده کند. عراق قبلاً برای واردات کالاهای مورد نیاز خود به بندرهای دریایی سوریه در مدیترانه متکی بود؛ ولی از زمان تیرگی روابط سوریه و عراق، که بر اثر اختلافات ایدئولوژیکی این دو جناح مخالف از حزب حاکم بعث در دو کشور صورت گرفت و هم‌چنین به دلیل اخراج سیاستمداران سوری از عراق، این کشور به اردن نزدیکتر شد و روابط خود را با آن توسعه داد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۹: ۱۴).

\* زمانی که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، نیروی دریایی عراق را در ابتدای جنگ نابود ساخت و آبراه خلیج فارس و تنگه هرمز را روی کشتی‌های وابسته به عراق بست، بندر عقبه در اردن و آزادراه عقبه - بغداد مهمترین راه ترانزیتی عراق برای دریافت کمک‌های نظامی و تدارکاتی شد. این بندر در حمل و نقل ملزومات و تدارکات جنگی عراق نقش بسیار بااهمیت و حیاتی را برای حکومت و ارتش عراق ایفا کرد به طوری که نیروی هوایی ایران بارها مجبور شد با هدف قراردادن این بزرگراه و محموله‌های ارسالی از طریق آن، حمل و نقل از این شاهراه مهم و راهبردی را مختل سازد.

در دسامبر ۱۹۸۰ (آذر ۱۳۵۹)، حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه، اردن را به حمایت از گروه بنیادگرای اخوان‌المسلمین برای براندازی رژیم سوریه متهم کرد. صف‌آرایی نظامی دو کشور در مرزهای مشترک، تیرگی روابط را تا حد برخورد مسلحانه پیش برد. روابط حسنه ایران با سوریه، تیرگی روابط اردن و سوریه و روی آوردن اردن به سوی عراق از عواملی بود که پس از شروع جنگ تحمیلی به قطع روابط دو کشور ایران و اردن انجامید.

در مجموع می‌توان عواملی را که باعث حمایت اردن از عراق در دهه هشتاد و در طول جنگ تحمیلی شد، به این شرح برشمرد:

- ۱- وابستگی به دولتهای استعمارگر (بوئزه امریکا)
- ۲- گسترش موج اسلام‌خواهی و مبارزات سیاسی
- ۳- حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه در مقابل تهدیدات اردن
- ۴- مواضع ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران که اتفاقاً با ناسیونالیسم عربی همسو بود.
- ۵- عوامل ایدئولوژیک مانند ناسیونالیسم عربی، شاه حسین قصد داشت نقش یک ناسیونالیست عرب را بازی کند. عامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی اردن بیشتر قومیت عربی و وحدت و یکپارچگی آن بود و دین اسلام در درجه دوم اهمیت قرار داشت.
- ۶- نیاز شدید عراق به بندر عقبه که می‌توانست درآمد عمده‌ای برای اردن داشته باشد.
- ۷- کمکهای مالی عراق به اردن که بیشتر از سوی حامیان عراق مثل عربستان و کویت پرداخت می‌شد.

شاه حسین با شعار "ما در کنار برادران خود هستیم"، حمایت خود را از عراق اعلام کرد. اردن می‌خواست از بهره‌های مادی و معنوی این جنگ استفاده کند و از آنجا که از نزدیکی با ایران چیزی عایدش نمی‌شد در طول جنگ تحمیلی متحد اصلی عراق بود؛ اما در عمل این اتحاد نتیجه‌ای جز خسران و صدمات اقتصادی و اجتماعی برای اردن در پی نداشت؛ لذا این کشور با پایان جنگ روابط خود را با ایران به حالت عادی برگرداند (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۷: ۸۷).

## ۲-۲- ستایش از پیشنهادهای صلح صدام

همزمان با تشدید احتمال عملیات نظامی جمهوری اسلامی ایران برای تنبیه و تعقیب متجاوز، حکام کشورهای اردن و عربستان از ایران خواستند با استقرار نیروی بین‌المللی در مرزها موافقت کند. روزنامه عکاظ (چاپ عربستان) با انتشار خبر ملاقات ملک حسین پادشاه اردن با ملک فهد

پادشاه عربستان، اعلام کرد که آنها ایران را به قبول پیشنهاد اخیر عراق مبنی بر استقرار نیروهای حافظ صلح در مرزهای دو کشور، دعوت کرده‌اند (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۱: ۱۴۳). پس از شکست نیروهای عراقی در خرمشهر و عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی، شواهد و قرائن از تهاجم قریب‌الوقوع ایران به عراق حکایت داشت. رادیو امان با اعلام خبر ورود ناگهانی ملک حسین به بغداد در این باره گزارش داد که شاه اردن در ملاقات خود با صدام حسین، ضمن تقدیر از عقب‌نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران از آن به عنوان یک اقدام مثبت برای پایان دادن به جنگ بین ایران و عراق نام برد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۴/۲۷: ۱۲).

شاه حسین هم‌چنین حمایت کامل خود را از طرح چهار ماده‌ای صدام حسین\* که در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۱۱ مطرح شده بود، اعلام کرد. وی با فرستادن تلگرافی طولانی به صدام، اظهار امیدواری کرد که رهبر ایران به این پیشنهادها برای رسیدن به صلح پاسخ مثبت بدهد. شاه اردن بار دیگر بر حمایت این کشور با استفاده از تمام قوا و منابع انسانی و مالی از عراق در صورت ادامه یافتن جنگ تأکید کرد. وی گفت: اتخاذ چنین موضعی به این معنی نیست که توانایی عراق را در دفاع از خود و ملتش دست کم بگیریم، بلکه وظیفه مقدس ما ایجاب می‌کند که اعتقاد کلی خود را در وحدت سرزمین و سرنوشتمان ابراز کنیم (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، ش ۱۳۸، ۱۳۶۵/۵/۱۴: ۱۰ - ۸).

هم‌چنین ملک حسین و حسنی مبارک رهبران اردن و مصر در پایان گفتگوهای خود در اسکندریه با انتشار بیانیه‌ای از پیشنهاد صلح اخیر رئیس‌جمهور عراق حمایت کردند و از حکومت اسلامی ایران خواستند به جنگ پایان دهد. ملک حسین پیش از آن گفته بود که حاضر است همه امکانات جنگی خود را در اختیار عراق قرار دهد. طبق گزارش رادیو بی‌بی‌سی دو کشور تصمیم گرفتند تا لیبی و سوریه را، که از کشورهای عرب پشتیبان ایران در جنگ با عراق هستند، بیش از پیش تحت فشار بگذارند (فوزی و لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

\* رئیس‌جمهور عراق در روز ۱۳۶۵/۵/۱۱ در یک پیام سرگشاده به رهبران ایران با عنوان "درخواست صلح و سلامت" خواستار یک پیمان صلح به منظور حفظ بقایای منابع دو کشور در جنگ شد. ناظران سیاسی این نامه را که به «طرح صلح چهارماده‌ای صدام» موسوم شد، آخرین تلاش عراق به منظور پرهیز از درگیری وسیع بین دو کشور عنوان کردند. صدام در این نامه به‌طور ویژه عقب‌نشینی کامل و بدون قید و شرط ارتش‌های دو کشور به مرزهای بین‌المللی، تبادل اسرای جنگی و امضای یک قرارداد صلح را پیشنهاد می‌کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۳۸، ۱۳۶۵/۵/۱۴، ص ۱۰ - ۸).

در پی سفر عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق به مصر در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۲۰ و توافق دو کشور بر سر تشکیل کمیسیونهای نظامی مشترک برای بررسی همکاری بین قاهره و بغداد، روزنامه الوطن نوشت: «حسین شاه اردن نیز در مذاکرات اخیر خود با حسنی مبارک ضمن تشریح تحولات جبهه‌های جنگ ایران و عراق و آمادگی ایران برای انجام دادن یک حمله گسترده علیه عراق و احتمال نفوذ خطرناک نیروهای ایران در عمق خاک عراق از مقامات مصری خواست بیش از پیش از عراق حمایت نظامی کنند» (فوزی و لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۸: ۳۸۲ و ۳۸۱).

علاوه بر اظهارات شاه حسین، وزیر امور خارجه اردن نیز در یکی از نشست‌های اجلاس عدم تعهد، ضمن تقبیح تداوم جنگ گفت: «این جنگ برخلاف اجماع در جنبش مبنی بر لزوم خاتمه آن، همچنان ادامه دارد و ادامه کشتار و خرابی، هیچ یک از طرفین درگیر در جنگ را به اهداف و تمایلات سیاسی خود نخواهد رساند.» وی با ستایش از آمادگی عراق برای پایان بخشیدن به جنگ از ایران خواست تا به صلح‌طلبی بغداد جواب مثبت دهد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۷/۱: ۱۶).

### ۳ - ۲ - تلاش برای برحق جلوه دادن عراق و تخریب وجهه ایران

پادشاه اردن علاوه بر اینکه کشورش را به حمایت از عراق موظف می‌دانست با هدف تخریب وجهه ایران از هیچ گونه اهانتی فروگذار نمی‌کرد. وی در اظهاراتی جانبدارانه و توهین‌آمیز اعلام کرد: «اعراب وظیفه دارند در جنگ عراق علیه جاه‌طلبی و گستاخی ایرانیان از این کشور حمایت کنند» (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۴۱۰). شاه حسین هم‌چنین در جمع اعضای شورای مشورتی و سنای اردن بار دیگر حمایت این کشور را از صدام در جنگ به اصطلاح بر حق عراق برای باز پس گرفتن سرزمین‌های خود اعلام کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۲۳: ۱۲). وی با تأکید بر وحدت و سازماندهی مردم عراق، مدعی تقسیم منطقه از سوی ایران شد و افزود: «حقوق عراق در آب و خاکش همیشه با خودخواهی، بلندپروازیها و جاه‌طلبی‌های رهبران ایرانی روبه‌رو شده است. ایرانیها موجب بروز مشکلات داخلی کشورهای خلیج فارس شده‌اند» (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۴۳۷).

دولت اردن علاوه بر حمایت‌های سیاسی همه جانبه از عراق در پی تخریب جایگاه ایران در حوزه‌های دیگر نیز بود. در پی اقدام تبلیغاتی عراق مبنی بر اعلام خبر ساختگی کشتار اسرای عراقی به دست نیروهای ایران، و شکایت به برخی مجامع بین‌المللی از جمله کمیته صلیب سرخ جهانی، کشور اردن نیز با فرض صحت این ادعا به حمایت از عراق پرداخت. رادیو عربی امان در

این باره گزارش داد: «مملکت اردن هاشمی اقدام مقامات تهران به قتل اسرای عراقی را بشدت محکوم کرد و طی اطلاعیه‌ای که سخنگوی رسمی دولت اردن انتشار داد بر ایستادگی اردن در کنار عراق تأکید کرد و از برخی کشورهای عربی که هنوز در کنار ایران قرار دارند خواسته شد تا در سیاست خود بازنگری کنند و به اصول برادری و موافقتنامه دفاع مشترک عربی پایبند باشند.» در این اطلاعیه آمده است: «حکام تهران هنگامی به قتل اسرا دست می‌زنند که [عراق] هزاران اسیر ایرانی را در اختیار دارد و با آنها بر اساس احترام به اصول و تعالیم شریعت اسلامی و انسانیت انسان و اخلاقی که صفت اعراب مسلمان است، رفتار می‌شود. از تضادهای دیگر این است که برخی از کشورهای عربی از رژیم تهران برای ادامه جنگ تجاوزکارانه خود علیه عراق، که همواره برای نجات دوستان عرب خود در گرفتاریها و سختی‌ها پیش قدم بوده است، پشتیبانی می‌کنند» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۴: ۹۷۴ و ۹۷۳).

### ۳ - حمایت در سطح جهان عرب

#### ۳ - ۱ - تلاش برای تبدیل جنگ به مسئله اصلی جهان عرب

پادشاه اردن، که از شروع حملات عراق به ایران از رژیم بعث حاکم در عراق حمایت کرده بود به مناسبت‌های مختلف و در مقاطع گوناگون از جمله در سفرهایش به عراق ضمن اعلام طرفداری از رژیم عراق از دیگر کشورهای عربی نیز می‌خواست تا از عراق در مقابل ایران حمایت کنند. وی با تأکید بر اینکه جنگ ایران و عراق و تهدیدهای پیاپی دولت تهران علیه کشورهای خلیج فارس امت عرب را در مبارزه خود علیه اسرائیل به خطر می‌اندازد از کشورهای عربی خواست از عراق حمایت کنند (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۸۵).

از سوی دیگر، شاه اردن در اظهار نظرهای مختلف و متعدد سعی کرد جنگ ایران و عراق را به مناقشه میان ایران و اعراب تبدیل کند. وی اعلام کرده بود: اردن نمی‌تواند در برابر آنچه اکنون میان ایران و عراق می‌گذرد بی‌تفاوت یا تماشاچی باشد. عراق برای باز پس گرفتن حقوق حق و آشکار خود پیکار می‌کند و این کشور مطامع توسعه‌جویانه در اراضی ایران ندارد. ... هر گونه خطری از جانب ایران متوجه یکی از دولتها یا کشورهای منطقه بشود، تهدیدی است علیه تمام کشورهای عربی. ملک حسین با اشاره به اینکه عراق تاکنون هیچ کمک نظامی از اردن درخواست نکرده، بستن تنگه هرمز را به منزله تهاجم علیه جهان عرب خوانده و معتقد بود همه کشورهای عربی علیه آن اقدام خواهند کرد (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۲۹۶ - ۲۹۴).

شاه اردن هم‌چنین در پایان سفر خود به عراق (۱۳۵۹/۷/۱۳) اعلام کرد که کشور اردن در جنگ ایران و عراق بیطرف نیست و با تمام قوا از عراق جانبداری خواهد کرد و اردن آنچه در توان دارد به کار خواهد برد تا عراق حقوق خود را در شط‌العرب (اروندروود) به دست آورد و سه جزیره امارات عربی متحده باز پس داده شود. وی اضافه کرد ما در جهان عرب با تهدیدی جدی روبه‌رو هستیم و عراق موقعیت مهم راهبردی دارد. بنابراین، اجازه نخواهیم داد عراق تضعیف شود یا برای آن دشواری پدید آید (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۳۲۰ و ۳۲۱).

خبرگزاری آسوشیتدپرس، که مصاحبه شاه حسین با مجله فرانسوی پاری ماچ را منتشر کرده به نقل از ملک حسین آورده است: «اگر چیزی باشد که من بتوانم انجام دهم یک لحظه هم درنگ نخواهم کرد. اگر ضرورت داشته باشد من به طرفداری از عراق دخالت خواهم کرد. عراق دارای حقوق بی‌چون‌وچرای تاریخی بر سرزمین‌هایی است که می‌کوشد دوباره به دست آورد. کشورش از روی احساسات یا تعصب جانب عراق را نمی‌گیرد، بلکه به خاطر حقانیت این کشور در جنگ است؛» حتی اگر یک اینچ از خاک اعراب از طرف نیروی خارجی تهدید گردد، اردن برای دفاع از آن حداکثر کوشش خود را خواهد کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۱۶: ۱۲).

شاه اردن در ادامه حمایت‌های سیاسی و اظهارات جانبدارانه‌اش از عراق در روزهای پایانی محاصره خرمشهر در جمع افسران این کشور گفت: «ارتش عربی ما... به خاطر وحدت عرب جنگ‌هایی کرده و وظیفه خود را در هر نبرد و هر رویارویی با خطر در قسمت‌های مختلف میهن بزرگ عرب انجام داده است. هنگامی که خطر متوجه هر قسمتی از جهان عرب شود، مجموعه ما را تهدید می‌کند. بنابراین وظیفه فداکاری و امانت ما را ملزم می‌سازد تا روش مردانه و شرافتمندانه‌ای برای یاری برادران خود در عراق برای استرداد حقوق تاریخی مشروع در سرزمین و آب‌های خود و بازگشت سرزمین‌های اشغال شده در فلسطین، قدس و دیگر حقوق غصب شده عربی در پیش گیرد» (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۴۹۶).

همزمان با سقوط خرمشهر و استقرار نیروهای عراقی در آنجا، شاه اردن بار دیگر بر پشتیبانی خود از عراق تأکید کرد: «در این جنگ ما با عراق هستیم؛ زیرا از قومیت عرب نمی‌توانیم چشم‌پوشی کنیم. شریف حسین با ترکها جنگید؛ هر چند آنها برادران دینی ما بودند. حالا ما آماده‌ایم با فارسها بجنگیم؛ هر چند آنها هم برادران دینی ما هستند؛ ولی با وجود این من شبها اغلب نمی‌توانم بخوابم؛ زیرا این فکر مرا آزار می‌دهد که اگر ارتش عراق شکست بخورد، کار ما

نیز در اینجا ساخته است» (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۵۷۶).

ملک حسین هم‌چنین پس از دیداری یکروزه از عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۶ ارتش خود را در اختیار صدام قرار داد و برای جلوگیری از تحریک افکار عمومی آنها را در کردستان عراق مستقر کرد. این اقدام شاه اردن ستایش مقامات عراق را برانگیخت به طوری که رادیو امان به نقل از صدام حسین نوشت: «جای بسی خوشوقتی است که بتوان کسی را در میان اعراب مشاهده کرد که از برادرش حمایت کند در حالی که دیگر افراد عرب موضع مخالفی اتخاذ کرده‌اند.» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۸/۷: ۱۰).

علاوه بر شاه اردن، مقامات این کشور نیز در مقاطع مختلف جنگ به حمایت از رژیم عراق پرداختند. نخست‌وزیر اردن در مصاحبه با مجله المستقبل اظهار کرد: «سیاست اردن نسبت به نبرد شرافتمندانه عراق، که برای باز پس‌گیری حقوق ملی خود و حمایت از منافع قومی و ناسیونالیستی این کشور شروع شده است در واقع از ایمان اعلی‌حضرت ملک حسین و ملت اردن سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا مسائل سرنوشت‌ساز ناسیونالیستی عرب قابل تجزیه نیست و تمام ملت عرب نسبت به آن متحد هستند. ... ملک حسین از کشورهای عربی خواست که یک روش متحد را در همبستگی و کمک به عراق برای نابود کردن خطری که مرزهای شرقی امت عرب را تهدید می‌نماید، انتخاب کنند. ... عراق راهی جز دست زدن به این جنگ مقدس برای تحقق حق خود نداشت. ... بی‌اعتنا بودن اعراب در حمایت از عراق به تحکیم توطئه و تجاوز به حقوق حق ملت عرب منجر خواهد شد» (انصاری و یکتا، ۱۳۷۵: ۳۹۵).

پادشاه اردن در پایان نشست کابینه اردن، که به منظور بررسی پیشروی ایران در خاک عراق تشکیل شده بود در واکنش به عملیات جدید ایران در خاک عراق، گفت «به منظور رسیدگی به این بحران باید کنفرانس سران عرب تشکیل جلسه دهد. این کنفرانس باید در عالیترین سطح نمایندگان عرب تشکیل شود و اهمیت پیمان دفاعی مشترک اعراب را بر اساس منشور اتحادیه عرب دوباره مورد بررسی قرار دهد» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۴/۲۴: ۲۰).

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه از امان از هنگام شروع عملیات اخیر ایران (عملیات رمضان)، حسین شاه اردن روزانه با صدام حسین به صورت تلفنی در تماس است تا از تحولات جنگ آگاه شود. این خبرگزاری افزود که شاه اردن به عنوان نخستین هم‌پیمان اصلی و راهبردی عراق در حالی که پیش از این به برپایی چنین گروه‌هایی برای بررسی مسئله لبنان پاسخ منفی داده بود،

نخستین رئیس کشوری است که هفته گذشته علیه عملیات رزمی ایران واکنش نشان داد و خواستار برپایی گردهمایی سران عرب برای فعال ساختن پیمانهای دولتهای عربی برای دفاع متقابل شد. این خبرگزاری افزود: «اردن از نخستین هفته‌های جنگ کمکهای مهم نظامی و اقتصادی را در اختیار رژیم عراق قرار داد و در عوض در فوریه ۱۹۸۱ (بهمن ۱۳۵۹) روابط سیاسی بین امان و تهران قطع شد و دولت اردن در ژانویه ۱۹۸۲ (دی ۱۳۶۰) به اعزام چندین هزار نیروی نظامی به جبهه‌های جنگ عراق علیه ایران اقدام کرد» (روزنامه اطلاعات، ۲۷/۴/۱۳۶۱: ۱۲).

شاه اردن هم‌چنین در مصاحبه‌ای با مجله امریکایی تایم ضمن تشریح وضعیت سیاسی حاکم بر منطقه غرب آسیا و مواضع کشورش در مورد جنگ ایران و عراق از امریکا به دلیل خودداری از فروش سلاحهای مورد نیاز عراق، انتقاد و حمایت کامل خود را از عراق در جنگ علیه ایران اعلام کرد. وی با ادعای اینکه رژیم صهیونیستی تأمین‌کننده سلاحهای مورد نیاز ایران است، افزود: «پیروزی احتمالی ایران به ضرر منطقه و ملت عرب است و آینده عراق را که آینده ملت اردن نیز هست به خطر می‌اندازد» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۱: ۳۲۸).

### ۲-۳- تلاش برای همگرایی عربی و به‌کارگیری آن علیه ایران

وحدت عربی یا ناسیونالیسم عربی، شاید کم‌اثرترین متغیری بود که اردن را به جانبداری از عراق سوق می‌داد. در واقع این عامل بیشتر توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش نقش این کشور در جنگ بود. ناسیونالیسم زمانی شکل می‌گیرد و به صورت جنبش به حرکت در می‌آید که دو عنصر اساسی آگاهی و احساس همبستگی و اراده فعالیت و کار جمعی در کنار یکدیگر باشد. با توجه به اینکه در جنگ ایران و عراق، یکی از دو طرف، عرب و دیگری غیر عرب بود، انتظار می‌رفت که کشورهای عرب بر مبنای تعهداتشان در برابر منشور اتحادیه عرب و پیمان دفاع دسته‌جمعی اعراب، یکپارچه و منسجم از طرف عرب جنگ، یعنی عراق حمایت کنند؛ اما عواملی مانند مسلمان بودن بیشتر ملت ایران، مورد تجاوز قرار گرفتن این کشور، قرار داشتن آن در موضعی تدافعی و ضعف اراده فعالیت و کار جمعی در میان رهبران سیاسی عرب، ظرفیت حمایت اعراب از عراق و به عبارت دیگر، ظرفیت اثرگذاری ناسیونالیسم عربی را کاهش داد (مختار حسینی، ۱۳۸۲: ۳۰ و ۲۹).

علاوه بر آن وجود اختلافات ایدئولوژیک و راهبردی در سیاست خارجی، برخی کشورهای عرب را به ایران متمایل کرده بود. سوریه و لیبی از جمله کشورهایی بودند که روابط حسنه‌ای با عراق نداشتند. هر چند دو کشور سوریه و عراق دارای ایدئولوژی و ساختار سیاسی بعثی بودند به



دلیل خط مشی‌های سیاسی متفاوت، همگرایی و پیوستگی آنها به دشمنی تبدیل شده بود. در نشست سران اتحادیه عرب موضوع دیدار رؤسای دو کشور عراق و سوریه، که به دلیل اختلافات شدید سیاسی و اقتصادی قطع رابطه کرده بودند، اهمیت ویژه‌ای در سطح منطقه و کشورهای عربی پیدا کرد. دیدار حافظ اسد و صدام حسین در حاشیه اجلاس سران عرب با میانجیگری فهد شاه عربستان و ملک حسین شاه اردن در ۱۷ شهریور ۱۳۶۱ در حالی انجام گرفت که سه روز قبل از آن احمد عزیزی قائم مقام وزیر امور خارجه ایران در دمشق با حافظ اسد دیدار کرده بود. در نهایت تلاش اردن و عربستان برای نزدیک ساختن دو کشور به همدیگر و با هدف محروم کردن ایران از داشتن یک متحد راهبردی در میان کشورهای عرب، بی‌نتیجه ماند. با وجود اظهار نظر مثبت رسانه‌ها و امیدواری دوستان عراق، سفر وزیر اطلاعات سوریه (به عنوان فرستاده ویژه حافظ اسد) به تهران در ۲۲ شهریور امیدواریهای همگرایی سوریه و عراق را از بین برد و به نگرانیهای احتمالی ایران نیز پایان داد. البته کمکهای تسلیحاتی، لجستیکی و مالی برخی کشورهای عربی بویژه کشورهای همسایه عراق، که از اول جنگ به این کشور فرستاده می‌شد - حتی اردن نیروهای نظامی به عراق اعزام می‌کرد - همچنان ادامه داشت و این، موضوعی جدا از تصمیمات نشست اتحادیه عرب در شهر فاس\* بود (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۱: ۳۳ و ۳۲).

پس از پیروزی‌های ایران در عملیات مسلم‌بن‌عقیل، برخی از رهبران کشورهای عربی و اسلامی به یاری صدام شتافته و با وی اظهار همدردی کردند. برخی از این کشورها سکوت کرده و برخی دیگر اعلام کردند که به تعهد خود مبنی بر کمک به عراق وفادارند. دولت اردن برای بررسی اوضاع جبهه‌های جنگ ایران و عراق و اعلام موضع خود، جلسه فوق‌العاده تشکیل داد. شاه اردن، در این جلسه با تأکید بر اینکه دفاع از خاک عراق در حکم دفاع از خاک اردن است، گفت: «اردن و تمام کشورهای عرب اکنون واقعاً در بوته آزمایش قرار گرفته‌اند تا در اجرای قطعنامه‌های کنفرانس کشورهای عربی در فاس، صداقت خود را در مورد حمایت از عراق در دفاع از خاک این کشور ثابت کنند. اردن نسبت به عراق وظیفه خاصی دارد و باید با تمام امکانات از این کشور

\* کنفرانس دوازدهم نشست سران عرب در شهر فاس در تاریخ ۱۹۸۲/۱۱/۲۵ به پایان رسید. عربستان سعودی در تاریخ ۱۹۸۱/۱۱/۲۱ یادداشتی را ارائه کرد که دربرگیرنده اعلان اصول هشتگانه پیشنهادی بود که اساس و پایه راه حل مسئله فلسطین را تشکیل می‌داد. این اصول به دلیل اینکه از سوی ملک فهد بن عبدالعزیز (ولیعهد وقت عربستان) پیشنهاد شده بود به اصول هشتگانه فهد معروف شد.

حمایت کند» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۱: ۶۴۵).

هم‌چنین پس از عملیات والفجر مقدماتی و در ادامه سفر برخی مقامات کشورهای عربی به عراق، ملک حسین پادشاه اردن، به همراه مضریدران نخست‌وزیر و ژنرال زیادبن شاکر فرمانده کل نیروهای مسلح اردن، به عراق سفر کردند. گزارش خبرگزاری رویتر حاکی است که در این دیدار ملک حسین بر حمایت استوار کشور خود از عراق در جنگ با ایران تأکید کرد. خبرگزاری اردن گزارش داد: شاه حسین حمایت اردن را از برادران عراقی مورد تأکید قرار داد، زیرا اردن معتقد است که هر گونه تجاوزی به هر قسمتی از سرزمین‌های عرب، تجاوز به تمامی کشورهای عرب به شمار می‌آید (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۱۱/۲۳: ۲۴).

### ۳-۳ - کمیته آشتی اعراب (ایجاد جبهه متحد عربی علیه ایران)

موضوع تشکیل کمیته میانجیگری عرب با هدف نزدیک کردن سوریه به اردن و عراق و در واقع با انگیزه ایجاد شکاف بین سوریه و ایران در اجلاس کازابلانکا مطرح شد. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه در اجلاس فوق‌العاده سران عرب در کازابلانکا تصمیم گرفته شد هیئت متشکل از عربستان و اتحادیه عرب برای حل اختلافات سوریه - اردن و سوریه - عراق و هیئت دیگری متشکل از امارات عربی متحده، مراکش و موریتانی برای حل اختلافات عراق با لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل شود (روزنامه ابرار، ۱۳۶۴/۹/۲: ۱۲).

تلاش کمیته اول آشتی اعراب، که برای آشتی دادن سوریه و عراق می‌کوشید با ابهام و بن‌بست روبه‌رو شد. اختلافات سوریه و اردن صرف اختلاف نظر خصوصی بین دو فرد یا دو رژیم معین نبود؛ بلکه اختلافاتی عام بر سر مسائلی بود که با تمام منطقه و حتی خارج از آن ارتباط داشت. دمشق و امان تقریباً درباره همه مسائل سیاسی و بویژه چگونگی حل مشکل غرب آسیا نگرشی متفاوت داشتند. از سوی دیگر در جنگ ایران و عراق، سوریه از جمهوری اسلامی جانبداری می‌کرد در حالی که اردن آشکارا و فعالانه به دنبال عراق بود و حتی می‌کوشید پشتیبانی گسترده اعراب را علیه ایران و به سود رژیم بغداد جلب کند.

مسئله اصلی، منازعه بین دیدگاه‌های سیاسی نبود که دو کشور را از هم دور نگه می‌داشت، بلکه عامل اصلی یک مسئله راهبردی بود. هر گونه نزدیکی بین دو کشور مستلزم تغییر موضع سوریه در برابر ایران بود و این امری نبود که در آن وضعیت انجام‌پذیر باشد. هر چند جنگ خلیج فارس مانع اصلی در نزدیکی روابط به شمار می‌رفت، تنها مانع نبود و رقابت شدیدی بین صدام

حسین و حافظ اسد بر سر دست گرفتن رهبری جهان عرب وجود داشت (فراهانی، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

از سوی دیگر، خبرگزاری کویت در گزارشی اعلام کرد: «عبدالله احمر معاون دبیر کل حزب بعث سوریه، که به سودان سفر کرده است، طی گفت‌وگویی با روزنامه الصحافه (چاپ سودان) گفت سوریه و عراق هفت سال پیش بر سر یک پیمان وحدت میان دو کشور به توافق رسیدند، ولی با فرو ریختن آن پیمان، شرایط بررسی هرگونه مطالب دیگر با عراق مناسب نیست» (فراهانی، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابع وزارت امور خارجه اردن نوشت که ما فضای روابط دو جانبه را بهبود داده‌ایم؛ اما اختلاف هنوز پا برجاست و انتظار داریم در دیدار سران، اختلافات نیز حل شود. این روزنامه افزوده است: بعد از دو نشست اولیه بین وزیران امور خارجه دو کشور در عربستان سعودی و دیدار وزیر امور خارجه اردن با حافظ اسد در دمشق، اردن به این نتیجه رسیده است که در نشست سران است که مسائل حل می‌شود. گفتنی است مقامات وزارت امور خارجه اردن اعلام کرده‌اند قبل از دیدار سران، وزیران امور خارجه دو کشور دیدار خواهند کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۹/۱۰: ۲۰).

در همین حال، دعوت نخست‌وزیر اردن از همتای سوری خود برای سفر به اردن و کمک‌های نقدی و نفتی پادشاهی سعودی به سوریه و اردن و نیز تلاش کمیته آشتی عرب برای سفر به لیبی از جمله اقداماتی بود که برای نزدیک کردن سوریه و لیبی به دولت‌های مرتجع عرب و دور کردن آنها از ایران انجام شد. رادیو کویت با انتشار گفت‌وگوی تلفنی ملک حسین با صدام حسین افزود: «پادشاه اردن در این تماس اطمینان راسخ خود را نسبت به توانایی عراق در شکست و نابود ساختن هر گونه حمله تازه ایران به خاک عراق ابراز کرده است. پرزیدنت صدام حسین نیز به ملک حسین تأکید کرده است ارتش عراق توانایی آن را دارد که هرگونه حمله ایران به خاک عراق را دفع و نابود کند» (فراهانی، ۱۳۹۳: ۷۴۲).

در ادامه تلاش‌های کمیته آشتی اعراب، که برای نزدیک کردن سوریه و اردن، و سوریه و عراق و با هدف دور کردن سوریه از ایران انجام می‌گرفت، نخست‌وزیر سوریه پس از شش سال، وارد امان شد و در فرودگاه، نخست‌وزیر و اعضای هیئت دولت اردن از او استقبال کردند. در همین حال، رئیس‌جمهور مصر ضمن استقبال از نزدیکی سوریه و اردن، آمادگی خود را برای نزدیکی با

سوریه اعلام کرد. خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «نخست‌وزیر سوریه اندکی پس از ورود به امان به روزنامه‌نگاران گفت که دیدارش از اردن در چارچوب تلاشهایی که برای بهبود روابط بین دمشق و امان و تحکیم وحدت عرب به عمل می‌آید، قرار دارد. نخست‌وزیر سوریه در پاسخ سؤالی در رابطه با روابط سوریه - عراق و سوریه - ایران گفت: اعلامیه مشترک سوریه - ایران به نفع اعراب است. بر اساس این گزارش، یک منبع آگاه در امان گفت که نخست‌وزیر سوریه حامل پیامی از جانب حافظ اسد برای شاه اردن است. در این نامه رئیس‌جمهوری سوریه، شاه حسین را برای یک دیدار رسمی از دمشق دعوت کرده است. به گفته منابع آگاه نخست‌وزیران دو کشور در گفتگوهای خود، مقدمات دیدار سران دو کشور را فراهم خواهند کرد» (روزنامه اطلاعات، ۲۰/۹/۱۳۶۴: ۲۰).

با وجود کوشش‌های شاه حسین و دیگر کشورهای عرب، نزدیکی سوریه به عراق تحقق نیافت. ملک حسین پادشاه اردن در یک نشست مطبوعاتی تأکید کرد که همچنان خواهان ملاقات رؤسای جمهوری سوریه و عراق با یکدیگر است و تمام تلاش خود را برای تحقق این ملاقات به کار خواهد برد. رادیوی رژیم صهیونیستی با اشاره به مصاحبه مطبوعاتی شاه حسین، که در آن دوستی بین سوریه و عراق را اجتناب‌ناپذیر خوانده بود از قول آگاهان سیاسی در امان گفت: «ملک حسین در آینده نزدیک، دوباره رهسپار بغداد خواهد شد تا به تلاشهای خویش برای ایجاد نزدیکی بین سوریه و عراق ادامه دهد» (فوزی و لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۸: ۶۸ و ۶۷). در همین حال، عبدالحلیم خدام، معاون رئیس‌جمهوری سوریه در مصاحبه‌ای با روزنامه سعودی الشرق الاوسط گفت: «احتمال آشتی میان عراق و سوریه در آینده نزدیک بسیار بعید است.» به گزارش رویتر، خدام در این مصاحبه با تأکید بر اینکه اختلافات میان دمشق و بغداد به قبل از جنگ عراق با ایران بر می‌گردد، افزود: «دمشق و بغداد امیدوار بودند که بتوانند انگیزه‌های مناقشه میان خود را از میان بردارند؛ لکن این امر به گفتگوهای طولانی نیاز دارد» (روزنامه رسالت، ۲۲/۴/۱۳۶۵: ۱۲).

شاه اردن، که در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۹ به بغداد سفر کرد، ضمن دیدار با صدام درباره آشتی بین سوریه و عراق، جنگ ایران و عراق و برگزاری اجلاس سران عرب به بحث و گفتگو پرداخت. روزنامه عمان (چاپ مسقط) تأکید کرد: «بهبودی روابط میان دمشق و امان شاید شرایط مناسبی را فراهم آورد که در جهت پایان دادن شرافتمندانه به جنگ عراق و ایران و ایجاد جبهه متحد عربی - که آرزوی همه است - مؤثر باشد.» روزنامه کویتی الوطن هم در این زمینه نوشت: «تلاشهای

آشتی جویانه ملک حسین میان عراق و سوریه پیامد موفقیت تلاشهای قبلی کمیته تنش زدایی عربی است که به تنگتر ساختن شکاف میان دو کشور برادر منجر شد، «(فوزی و لطف الله زادگان، ۱۵۵ و ۱۵۴).

سرانجام در پی فروکش نکردن دشمنی قدیمی دو کشور عراق و سوریه و ادامه تبلیغات منفی دو کشور علیه یکدیگر این موضوع رنگ باخت تا جایی که در ۱۳۶۶/۴/۱۵، زیدالرفاعی نخست‌وزیر اردن، که از جمله فعالان در زمینه آشتی دو کشور عراق و سوریه بود و از مسائل سیاسی پشت پرده روابط خصمانه دو کشور آگاهی داشت به دنبال دیدار از سوریه و ملاقات با حافظ اسد مطالبی را بیان کرد که حاکی از شکست تلاشهای اردن در این زمینه بود: «هیچ دیدار جدیدی میان اسد و صدام حسین در آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌شود؛ اما پیشرفت‌هایی حاصل شده است. ... ما میانجیگر نیستیم بلکه امیدواریم به موضع مشترکی درباره، جنگ خلیج (فارس) دست یابیم؛ به همین دلیل بود که شاه حسین به تلاشهای خود به منظور رسیدن به این امر، که سوریه و عراق بر اختلافهای خود فائق آیند، شدت بخشید تا اینکه یک اجلاس سران عرب برگزار گردد.» پس از آن، سفر فاروق‌الشرع وزیر امور خارجه سوریه به ایران و اعلام تداوم همکاریها بین ایران و سوریه، مهر تأییدی بر پایان داستان تکراری تجدید رابطه سوریه و عراق زد (لطف الله زادگان، ۱۳۸۷: ۴۹۳ و ۴۹۲).

#### ۴ - ۳ - تلاش برای تشکیل یک جبهه واحد عربی در اجلاس امان

حامیان عراق در جهان عرب کوشیدند که سوریه و لیبی را از ایران جدا کنند و با بازگرداندن مصر به جهان عرب، موضع واحد و محکمی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بگیرند. تلاش سیاسی آنها در مجامع بین‌المللی بویژه در شورای امنیت برای تحریم تسلیحاتی ایران ادامه داشت و اوج فعالیتهای سیاسی آنها در قالب اجلاس سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در امان بروز یافت.

اجلاس فوق‌العاده سران کشورهای عضو اتحادیه عرب\* در امان پایتخت اردن با شرکت ۲۱ هیئت نمایندگی گشایش یافت. در جلسه افتتاحیه اجلاس فوق‌العاده سران کشورهای عربی، شاه

\* این سومین اجلاس فوق‌العاده سران عرب بود. اجلاس فوق‌العاده اول در ریاض (اکتبر ۱۹۷۶) برای بررسی اوضاع و درگیریهای لبنان و نشست دوم در کازابلانکا (اوت ۱۹۸۵) با موضوع روابط خارجی اعراب و مسئله اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی تحت محاصره جنبش امل در بیروت تشکیل شد.

حسین و شاذلی قلبی دبیر کل اتحادیه عرب سخنرانی کردند. شرکت کنندگان در این اجلاس به دو گروه تقسیم شدند: در گروه نخست کشورهای الجزایر، یمن جنوبی و لیبی و در رأس آنها سوریه قرار داشت. سوریه ضمن حمایت از ایران معتقد بود که این جنگ در توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی ریشه دارد و سران عرب نباید در مورد ریشه‌های بحران منطقه دچار توهم شوند و سراغ دشمن غیر واقعی بروند. گروه دوم، که بیشتر کشورهای عربی را شامل می‌شد در پی عمده جلوه دادن خطر ایران بود. این گروه از حمایت امریکا برخوردار بود و برخی از اعضای آن خواهان احیا و اجرای پیمان دفاع مشترک عربی بودند و برخی دیگر خواستار قطع روابط سیاسی با ایران بودند که البته این موضوع با مخالفت گروه نخست روبه‌رو شد (انصاری و یزدانفام، ۱۳۸۷: ۵۱ و ۵۲).

اردن بر این موضوع تأکید کرد که آشتی میان سوریه و عراق راه موفقیت اجلاس امان را هموار می‌سازد و بازگشت مصر به جهان عرب موجب تقویت مواضع اعراب و انسجام بیشتر آنها می‌شود. شاه اردن در نطق ده دقیقه‌ای خود از جهان عرب خواست که یک راهبرد مشترک برای مقابله با تهدیدات ایران و رژیم صهیونیستی اتخاذ کنند. وی گفت: «جنگ خلیج [فارس] دیگر تنها عراق را مورد تهدید قرار نمی‌دهد، بلکه به کشورهای برادر ما کویت و عربستان سعودی گسترش پیدا کرده است. این جنگ تنها بین ایران و عراق نیست، بلکه تهدیدی علیه تمامی منطقه و صلح بین‌المللی به شمار می‌رود. ما باید برای مقابله با این تهدید با هم متحد شویم» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۸/۱۹: ۱۶). حامیان عراق تهدید می‌کردند در صورت نپذیرفتن بازگشت مصر، آنها به تنهایی به برقراری دوباره روابط سیاسی با قاهره اقدام خواهند کرد. هنوز شرکت کنندگان در اجلاس امان به کشورشان بازنگشته بودند که عراق و مصر تجدید روابط سیاسی خود را اعلام کردند. اجلاس امان بعد از چهار روز بحث و گفت‌وگو، با صدور بیانیه‌ای پایان یافت. آنها هماهنگ با سیاستهای منطقه‌ای امریکا تلاش کردند جهت اصلی توجه و مبارزه اعراب را از رژیم صهیونیستی به منطقه خلیج فارس و جنگ ایران و عراق تغییر دهند و با هموار کردن راه بازگشت مصر به جهان عرب در تضعیف جبهه ضد اسرائیلی گام بردارند و به گسترش سیاست کمپ دیویدی در منطقه کمک کنند. کوشش آنها در بهبود روابط سوریه و عراق با وجود ملاقات صدام و اسد به نتیجه نرسید و سوریه با اینکه نامش در پایان بیانیه آمده بود بر موضع اصولی خود در حمایت از جمهوری اسلامی ایران پافشاری کرد. کشورهای عربی حامی عراق به شیوه سابق بر فعالیتهای انفرادی و گروهی خود

در جلب حمایت قدرتهای بزرگ برای پشتیبانی از عراق و اعمال فشار بر ایران ادامه دادند. سفر شاه حسین اردنی به امریکا و شوروی برای نزدیک ساختن مواضع و اقدامات دو ابر قدرت در برابر جنگ، نمونه دیگری از فعالیت اعراب در حمایت از عراق به شمار می‌رود (انصاری و یزدانفام، ۱۳۸۷: ۵۳ و ۵۲).

شاه اردن معتقد بود آشتی میان سوریه و عراق راه را برای موفقیت اجلاس امان در دستیابی به راه‌هایی برای متقاعد ساختن ایران به پایان دادن به جنگ با عراق هموار می‌سازد. خبرگزاری جمهوری اسلامی در این باره به نقل از منابع آگاه گزارش داد: «هدف اصلی این کنفرانس متقاعد کردن سوریه، یکی از معدود دوستان ایران به تحت فشار گذاشتن ایران به منظور پایان دادن بر تهدید خود علیه کشورهای نفت خیز و آسیب‌پذیر منطقه و هم‌چنین پذیرش مصوبه شورای امنیت است.» ولیعهد اردن نیز ضمن اظهار رضایت از اجلاس سران عرب در امان گفت: «گردهمایی سران عرب نمی‌تواند با عدم موفقیت روبه‌رو گردد و باید اراده واحد اعراب را برای حل مسئله ایران و عراق نشان دهد. حمله موشکی روز گذشته ایران به بغداد به عنوان پیامی به نظر می‌رسد دایر بر اینکه دولت ایران برای گردهماییهای منطقه‌ای اهمیتی قائل نیست» (انصاری و یزدانفام، ۱۳۸۷: ۷۷۳ و ۷۷۲).

#### ۴ - حمایت در سطح مجامع بین‌المللی

##### ۱ - ۴ - تصویب قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد از آغاز جنگ تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۱ تیر ۱۳۶۱) ۲۲ ماه، سکوت اختیار کرد. این دوره زمانی دقیقاً با همان ایامی مصادف بود که نیروهای عراقی به پیشروی در خاک ایران ادامه می‌دادند و به تحکیم مواضع خود می‌پرداختند. در طول این مدت، جمهوری اسلامی ایران نیز درگیر شدیدترین درگیریهای سیاسی - نظامی داخلی بود و اعضای شورای امنیت احتمالاً در انتظار فائق آمدن عراق و گروه‌های ضد انقلاب بودند تا به این ترتیب در اوضاع جدید به اتخاذ موضع بپردازند. سرانجام به دنبال اجرای عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در حالی که نشانه‌های بارزی از شروع عملیات جدید وجود داشت، شورای امنیت سازمان ملل سکوت خود را شکست و به درخواست اردن و حمایت سیاسی امریکا تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۱ تیر ۱۳۶۱) به تصویب رساند. در مقدمه این قطعنامه از طولانی شدن برخورد دو کشور که به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی قابل ملاحظه منجر شده و صلح و امنیت

بین‌المللی را به خطر انداخته است، اظهار نگرانی عمیق شد و «به موجب ماده ۲۴ منشور، مسئولیت اولیه شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» خاطر نشان شد (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۱: ۲۳ و ۲۲).

شورای امنیت در این قطعنامه از دو طرف خواسته است با آتش‌بس فوری، نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب بکشند. سازمان ملل نیز با اعزام ناظران بر این آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها نظارت خواهد داشت. شورا خواستار ادامه تلاشهای میانجیگرانه شده است و از دیگر دولتها درخواست کرد از اقداماتی خودداری کنند که ممکن است به ادامه درگیری کمک کند (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

شورای امنیت سازمان ملل، اگر چه در قطعنامه ۵۱۴ برای اولین بار از برقراری آتش‌بس و عقب‌نشینی و استقرار نیروهای حافظ صلح در مرز ایران و عراق سخن به میان آورد، این قطعنامه زمانی تصویب شد که برتری عراق در جبهه‌های جنگ از بین رفته بود و نیروهای ایران بخش عمده مناطق اشغالی از جمله خرمشهر را باز پس گرفته و در بسیاری نقاط به مرزهای بین‌المللی رسیده بودند. بنابراین، هدف اصلی شورای امنیت از تصویب قطعنامه ۵۱۴، جلوگیری از ورود نیروهای ایران به خاک عراق تحت عنوان "به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی" بود. شورا با اشاره به ماده ۲۴ منشور در مورد مسئولیت اولیه خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز دقیقاً این هدف را دنبال می‌کرد که به جمهوری اسلامی ایران تفهیم کند در صورت ورود به خاک عراق بر اساس فصل هفتم منشور، مجازاتهایی بر ضد آن کشور وضع خواهد شد (جمشیدی و دیگران، ۱۳۷۴: ۹۲ و ۹۱).

#### ۲ - ۴ - تصویب قطعنامه ۵۲۲ شورای امنیت

زمینه صدور قطعنامه ۵۲۲ شورای امنیت سازمان ملل در ۱۲ مهر ۱۳۶۱ به نامه چند روز قبل نماینده عراق در سازمان ملل باز می‌گردد. در پی اجرای عملیات موفقیت‌آمیز مسلم‌بن‌عقیل به همت نیروهای ایران در جبهه‌های غرب کشور، که به تهدید جدی محور مندلی به بغداد انجامید، نماینده عراق در سازمان ملل در ۹ مهر ۱۳۶۱ نامه‌ای به ریاست ادواری این شورا، که اهل اردن بود،\* تسلیم کرد. نماینده عراق در این نامه ضمن اشاره به عملیاتهای ایران از ریاست شورا

\* رئیس اردنی شورای امنیت، عبدالله صلاح نام داشت که در زمان ریاست او در شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌های ۵۲۲ و ۵۴۰ این شورا در راستای منافع عراق به تصویب رسید.



درخواست کرد که در برابر عملیات‌های ایران موضعگیری کند. به دنبال فرستادن این نامه، سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق نیز با نمایندگان اعضای دائم شورا به گفت و گو و رایزنی پرداخت و نظر آنان را برای تصویب قطعنامه‌ای جدید جلب کرد. در پی این درخواست و رایزنیها، شورای امنیت سازمان ملل جلسه‌ای تشکیل داد و از نماینده ایران به عنوان طرف منازعه دعوت کرد تا بدون حق رأی در این جلسه شرکت کند. نماینده ایران در سازمان ملل، که قبلاً در اعتراض به صدور قطعنامه ۵۱۴ این گونه جلسات را تحریم کرده بود در این جلسه حاضر نشد. وزارت امور خارجه ایران با انتشار بیانیه‌ای در پنج بند به تصویب قطعنامه ۵۲۲ شورای امنیت سازمان ملل اعتراض و مخالفت خود را با این تصمیم و اردنی بودن رئیس این شورا اعلام کرد. متن این قطعنامه توسط اردن - که از اول ماه اکتبر (۹ مهر) ریاست شورای امنیت را به عهده گرفته بود - تهیه شده و قبل از این در یک جلسه کوتاه مشورتی به درخواست عراق تصویب شده بود. در واقع این قطعنامه، که در آن از ایران و عراق درخواست شده است بی‌درنگ با برقراری آتش‌بس، هرگونه عملیات نظامی را متوقف کنند و نیروهای خود را به مرزهای بین‌المللی بازگردانند، شامل همان مواردی است که ۱۲ ژوئیه (۲۱ تیر ۱۳۶۱) در قطعنامه ۵۱۴ به تصویب شورای امنیت رسید، ولی اجرایی نشد (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۷/۱۳۶۱: ۲۰). ایران معتقد بود تصویب این قطعنامه در زمانی که کشور اردن ریاست دوره‌ای شورای امنیت را به عهده دارد، عادلانه نیست و نمی‌تواند متضمن بیطرفی شورا باشد؛ چرا که این کشور از ابتدای تجاوز عراق به ایران به نفع عراق موضعگیری کرده و همواره در تصمیمات بین‌المللی با عراق همکاری کرده است.

در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سی‌وهفتمین اجلاس عمومی خود بر اساس تقاضای عراق موضوع جنگ ایران و عراق را در دستور کار خود قرار داد و برای اولین بار پس از جنگ درباره ایران و عراق تصمیم گرفت و بیانیه ۳/۳۷ را، که سیزده کشور عربی از جمله عربستان، اردن، بحرین، کویت و امارات متحده عربی پیشنهاد کرده بودند با ۱۱۹ رأی مثبت و ۱۵ رأی ممتنع و یک رأی مخالف تصویب کرد. این بیانیه در پنج بند تنظیم شده بود و بدون اشاره به متجاوز و پرداخت خسارت به طرف آسیب دیده، خواستار اجرای آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی و خودداری کشورها از اقداماتی که سبب تشدید جنگ شود، شده بود. بیانیه ۳۷/۳ مجمع عمومی نیز مانند قطعنامه ۵۲۲ شورای امنیت اعتراض نماینده ایران در سازمان ملل را به دنبال داشت. نماینده ایران در سازمان ملل سکوت درباره متجاوز و محروم کردن ایران از حقوق

قانونی خود را از ضعف‌های عمده بیانیه دانست و اقدام عراق، در از بین بردن مرزهای بین‌المللی را از دلایل اجرایی نشدن آن اعلام کرد و این اقدامات را راهی برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ خواند (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۱: ۲۹).

### ۳- ۴- حمایت از مواضع عراق و انتقاد از ایران در هفتمین اجلاس عدم تعهد (دهلی‌نو)

پس از پیروزی سیاسی ایران در جلوگیری از برگزاری هفتمین اجلاس سران غیر متعهدها در بغداد و جایگزین شدن دهلی‌نو، عراق بر فعالیت سیاسی خود به منظور تحقق دو هدف سیاسی شدت بخشید: اولین خواسته صدام برگزاری هشتمین اجلاس سران عدم تعهد در بغداد و دومین آن گنجاندن بندی در قطعنامه پایانی اجلاس غیرمتعهدها برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بود. در واقع عراق و حامیانش از این طریق می‌خواستند ضمن در دست گرفتن ابتکار عمل سیاسی، ایران را در مجامع بین‌المللی منزوی سازند و از این طریق برای تحمیل خواسته‌های عراق فشار لازم را به ایران بیاورند. در همین راستا، شاه حسین ضمن فداکارانه خواندن انصراف عراق از برگزاری اجلاس هفتم در بغداد به جای فراخواندن دو کشور به متارکه جنگ و ارجاع حل اختلافات آنها به آخرین قرارداد بین ایران و عراق (قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر)، اختلافات دو کشور را قدیمی و ریشه‌دار خواند و حل آن را به مجموعه‌ای از قراردادهای تاریخی بین دو کشور ارجاع داد. شاه حسین در یک موضعگیری همسو با خواست عراق درباره لزوم پایان دادن به جنگ افزود: «کنفرانس [عدم تعهد] باید وظیفه خود را درباره متوقف کردن جنگ انجام دهد و کمیته‌ای برای بررسی این امر تشکیل دهد؛ موضع خود را در این باره بیان کند؛ چون ادامه جنگ ارکان غیرمتعهدها را به لرزه درآورده است.» وی در آخر با بیان اینکه عراق خواهان صلح است و این ایران است که صلح را رد می‌کند، گفت: «باید موضع ما درباره طرفی که صلح را رد کند تحریم باشد» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۴: ۳۷). ملک حسین هم‌چنین در اظهارنظری دیگر در مصاحبه‌ای با تلویزیون ژاپن ضمن بی‌توجهی به خواستهای جمهوری اسلامی گفت: «در حالی که عراق به منظور پایان دادن [به] جنگ تقریباً به تمام کوشش‌های میانجیگرانه پاسخ داده است در مقابل، ایران هیچ پاسخی در این مورد نداده است» (نعمتی، کریمی و اکبرپور، ۱۳۹۴: ۵۰۴).

### ۴- ۴- تصویب قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت

پس از تحویل جنگنده‌های سوپر اتاندارد فرانسوی به عراق در مهر ۱۳۶۲ و تقویت نیروی هوایی این کشور و مزاحمت عراق در زمینه جریان صدور نفت ایران و اجرای موفقیت‌آمیز عملیات

والفجر ۴ از سوی رزمندگان ایرانی، شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل اینکه ریاست دوره‌ای آن را نماینده اردن بر عهده داشت و قرار بود در ماه نوامبر این مسئولیت به نماینده کشور مالت واگذار شود، سعی کرد با تصویب قطعنامه ۵۴۰ آتش‌بس در جنگ ایران و عراق و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس را تضمین کند.

قطعنامه شورای امنیت به پیشنهاد کشورهای توگو، زئیر و گویان و با حمایت فرانسه صادر شد و آشکارا جانب عراق را در جنگ گرفت. از آن گذشته، هنگام تصویب این قطعنامه ریاست شورای امنیت به عهده اردن بود که متحد عراق به شمار می‌آمد. فعالیتهای رئیس اردنی شورای امنیت علیه ایران آشکارا به حذف پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی ایران از دستور کار جلسه شورای امنیت انجامید. خبرنگار بی‌بی‌سی پس از تصویب قطعنامه در گزارشی از سازمان ملل این گونه اظهار نظر کرد: «چنین به نظر می‌رسد که چشم‌انداز پایان دادن به این جنگ سه ساله از راه گفت‌وگو قطعاً رو به تیرگی گذاشته است.» وی افزود: «منظور حامیان این قطعنامه این بود که از تشدید جنگ در خود خلیج فارس به حدی که صنعت نفت را به تعطیل بکشاند و باعث بسته شدن خطوط کشتیرانی و تنگه هرمز شود جلوگیری کنند. برخی از اعضای شورا بویژه فرانسه و اردن امیدوار بودند که این قطعنامه به عراق امکان دهد نفت خود را از راه خلیج فارس صادر کند و به این ترتیب برای بازپرداخت وامهای سنگین خود پول به دست بیاورند؛ اما ایران قطعنامه را رد کرده است و بنابراین احتمال نمی‌رود که سودی از آن طریق به دست آید.» طبق گزارش بی‌بی‌سی، برخی از اعضای شورای امنیت بویژه فرانسه و اردن که دیگر اعضای شورا را به رأی‌گیری شتاب‌زده مجبور کرده بودند، امید داشتند که این قطعنامه به عراق امکان دهد نفت خود را از راه خلیج فارس صادر کند و به این ترتیب برای بازپرداخت وامهای سنگین خود پول به دست بیاورد؛ اما با رد قطعنامه از سوی ایران احتمال استفاده از این مزیت نیز از بین رفت (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، ش ۲۲۷، ۱۳۶۲/۸/۱۱: ۲۵ و ۲۴).

#### ۵ - ۴ - ضرورت پایان دادن به جنگ و حمایت از تصویب طرح قطعنامه ۵۹۸

در حالی که کشورهای عربی حامی عراق بویژه اردن تلاشهای سیاسی گسترده‌ای را برای هماهنگ کردن مواضع ابرقدرتها در شورای امنیت علیه ایران در دستور کار خود قرار داده بودند، کشورهای بیطرف منطقه و سازمانهایی مثل سازمان کنفرانس اسلامی برای میانجیگری اعلام آمادگی کردند و درصدد جلب رضایت طرفین برای برقراری آتش‌بس برآمدند. بنابراین، اردن در

راستای تلاشهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق با ابراز تمایل سران کشورهای منطقه برای میانجیگری کوشید با کمک این کشورها بحث ضرورت پایان جنگ را پیش کشد.

شاه اردن در راستای تلاشهای اخیر خود در اقدامی سیاسی - تبلیغاتی از رئیس‌جمهور پاکستان خواست تا برای توقف جنگ میان ایران و عراق نزد کشور همسایه خود ایران میانجیگری کند. وی ابراز امیدواری کرد که ضیاء‌الحق نزد ایران برای دادن پاسخ به مساعی صلح و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به عنوان اولین گام اقدام کند. خبرگزاری رسمی اردن با اعلام این خبر افزود: «پاکستان از قطعنامه شورای امنیت برای پایان دادن به جنگ خلیج [فارس] و احتمالاً تحریم فروش اسلحه به ایران حمایت می‌کند» (انصاری و یزدانفام، ۱۳۸۷: ۲۳۲).

ملک حسین هم‌چنین در یک دیدار رسمی چهار روزه از ترکیه، خواهان پافشاری ترکیه برای متقاعدکردن جمهوری اسلامی ایران به پایان دادن به جنگ با رژیم عراق شد. وی گفت: «حکومت عراق به تمام اقداماتی که در جهت تضمین حقوق مشروع طرفین است، پاسخ داده است و ما امیدواریم ترکیه در زمینه قبولاندن نظر خود به ایران در جهت پایان بخشیدن به این جنگ، که یک تراژدی بوده و ضمن تضعیف و نابودی منابع دو کشور اسلامی، منطقه را با خطرهای خارجی نیز روبه‌رو ساخته است، اصرار ورزد و ایران نیز به قوانین الهی گوش فرا دهد» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

تلاش کشورهای منطقه در ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی برای اعمال فشار به ایران بویژه پس از عملیات موفقیت‌آمیز کربلای پنج به تدریج افزایش یافت. کشورهای مثل اردن و عربستان خواستار اتخاذ تصمیم شدیدتری علیه ایران بودند. اتحادیه عرب با اعزام هیئت‌های سیاسی به کشورهای عضو دائم شورای امنیت، قصد داشت تا آنها را به افزایش فشار بر ایران برای پایان دادن به جنگ ترغیب کند. بنابراین، هیئتی از اتحادیه عرب، سفر دوره‌ای را به پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت برای رایزنی و تثبیت راهکارهای مراحل بعدی قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ آغاز کرد. رهبری هیئت پنج نفره اتحادیه عرب را طاهر المصری وزیر امور خارجه اردن بر عهده داشت. این هیئت در نخستین مرحله رهسپار انگلستان شد و با مارگارت تاچر نخست‌وزیر و جفری هاو، وزیر خارجه این کشور دیدار کرد. رادیو امریکا در این باره گزارش داد: «دولت انگلیس هیئت عرب را مطمئن ساخته است که چنانچه کوشش‌هایی که برای پایان دادن به جنگ

انجام می‌گیرد، شکست بخورد از تحریم تسلیحاتی حمایت خواهد کرد. بعد از گفت‌وگوها، وزارت امور خارجه انگلیس اعلام کرد که به هیئت اتحادیه عرب اطلاع داده شده که بریتانیا آماده است از تحریم فروش اسلحه علیه هر یک از طرفهای جنگ خلیج فارس، که از پذیرش مفاد قطعنامه سازمان ملل متحد سر باز زند، جانبداری کند. وزارت امور خارجه بریتانیا افزود هدف این است که ایران و عراق از جنگ دست بکشند و گفتگو را آغاز کنند» (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۷: ۵۲۵ و ۵۲۶).

با صدور قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ۱۳۶۵ تحت تأثیر فشارهای سیاسی امریکا و انگلیس، دولت اردن نیز در همین راستا با صدور بیانیه‌ای ضمن مهم خواندن قطعنامه ۵۹۸ و اعلام حمایت از آن از طرفهای درگیر خواست که با پذیرش این قطعنامه به جنگ پایان دهند (یزدانفام، ۱۳۸۷: ۱۶). پس از سفر هیئت اتحادیه عرب به شوروی، این اتحادیه هیئت دیگری را به ریاست طاهر المصری وزیر امور خارجه اردن و نمایندگان کشورهای عراق، بحرین و یمن شمالی به چین اعزام کرد. ووشوکیان، وزیر خارجه چین در دیدار با این هیئت ضمن تأکید بر همکاری چین با دیرکل سازمان ملل متحد گفت: «ابرقدرتها باید مداخله در خلیج فارس را متوقف سازند» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۶/۱۵: ۲۰).

#### ۶ - ۴ - تلاش برای تحمیل قطعنامه ۵۹۸ به ایران

مهمترین وجه مشترک مواضع کشورهای عرب و سازمانهای حامی عراق در جنگ با ایران از جمله سازمان کنفرانس اسلامی و شورای همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس، همسویی با امریکا و هم‌پیمانانش در شورای امنیت\* در وارد آوردن فشار به جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش مفاد قطعنامه ۵۹۸ به همان ترتیبی بود که حکومت عراق آن را قبول داشت.

سازمان کنفرانس اسلامی با پیروی از مشی شورای امنیت و قدرتهای بزرگ از عراق جانبداری می‌کرد و نه تنها حاضر نبود به موضوع تجاوز عراق به ایران و تنبیه متجاوز ورود کند، بلکه در موضعگیریهای رسمی، ایران را محکوم می‌کرد و از مجامع بین‌المللی و شورای امنیت می‌خواست با ایران برخورد کنند. برگزاری هفدهمین اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در این دوره به عنوان مقدمه نشست سران این سازمان، فرصتی را فراهم کرد تا حامیان منطقه‌ای عراق

\* ملک حسین پادشاه اردن، برای متحد کردن اعضای شورای امنیت سازمان ملل در اول دی‌ماه ۱۳۶۶ به مسکو سفر کرد و در دیدار با مقامات شوروی بر حمایت از قطعنامه ۵۹۸ و تحریم تسلیحاتی ایران تأکید کرد (اردستانی، ۱۳۸۲: ۴۱۲).

هم‌جهت با کشورهای غربی بار دیگر جمهوری اسلامی را برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تحت فشار قرار دهند؛ از جمله پادشاه اردن در اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در امان، ضمن ستایش از عراق از ایران خواست مفاد قطعنامه ۵۹۸ را بر حسب ترتیب بندهای آن بپذیرد. متحدان عراق در جنگ علیه ایران پا را از این فراتر گذاشتند به طوری که نماینده اردن در سازمان ملل در ۱۱ فروردین ۱۳۶۷، متن قطعنامه اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی را تسلیم سازمان ملل کرد. تهیه‌کنندگان قطعنامه در تنظیم آن برای تأمین نظر عراق به ضرورت حفظ ترتیب بندهای قطعنامه ۵۹۸، که دقیقاً بر نظر حکومت عراق منطبق بود، تأکید کردند. اجلاس سران کشورهای اسلامی نیز در ۲۱ فروردین ۱۳۶۷ حمایت خود را از حکومت عراق در برابر ایران اعلام کرد. وزیران امور خارجه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس هم، که در اجلاسی دو روزه به ریاست عربستان در ریاض گرد هم آمده بودند، همانند اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی از جمهوری اسلامی خواستند قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را بپذیرد. هم‌چنین به گفته سیاستمداران عربی، کشورهای عضو شورای خلیج فارس با کشورهای عضو شورای امنیت از جمله چین، آمریکا و شوروی تماسهایی برقرار کردند و دربارهٔ تحریم تسلیحاتی ایران و وادار کردن جمهوری اسلامی به قبول آتش‌بس با آنها به گفت‌وگو پرداختند. در میان این کشورها، عربستان و کویت بیشتر از دیگران از اقدامات شورای امنیت برای تحریم تسلیحاتی ایران و اجرای قطعنامه ۵۹۸ حمایت کردند (ایزدی، ۱۳۹۲: ۳۶ و ۳۸).

بر اساس گزارش خبرگزاری عراق، ملک حسین در سخنرانی افتتاحیه، جنگ ایران و عراق را زخمی عمیق بر پیکر امت اسلامی خواند و اظهار امیدواری کرد که ایران به حکم الهی و ندای وجدان و منافع ملتش و جهان اسلام پاسخ مثبت بدهد و برای بازگشت ثبات و امنیت به خلیج فارس، اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را بر حسب ترتیب مندرج بپذیرد (ایزدی، ۱۳۹۲: ۳۴۴ و ۳۴۳).

وزارت امور خارجه ایران نیز جزئیاتی از تلاش هماهنگ عربستان و اردن را برای هدایت آرای کشورهای حامی عراق و تصویب قطعنامه کاملاً ضد ایرانی پایانی اجلاس مطرح کرد که در آن ضمن حمایت از عراق از ایران به دلیل نپذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ انتقاد شده و هم‌چنین از عربستان سعودی به دلیل محدود کردن تعداد حجاج در مراسم سال آینده طرفداری شده است. از سوی دیگر، مدیرکل وزارت امور خارجه اردن در یک مصاحبه مطبوعاتی از موافقت اعضای

کمیسیون‌های مختلف اجلاس هفدهم سازمان کنفرانس اسلامی برای تهیه قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق و حمایت از عربستان سعودی خیر داد که بیان‌کننده تلاش‌های کشورهای حامی عراق و عربستان برای ایجاد جبهه‌ای در مقابل هیئت ایرانی است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، نبیه النیمر مدیرکل وزارت امور خارجه اردن، گفت: «قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق مورد موافقت تمامی اعضای کمیسیون سیاسی هفدهمین کنفرانس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفته است. این قطعنامه ضمن فراخواندن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از عراق برای پذیرش آن ستایش کرده است.» مدیرکل وزارت امور خارجه اردن افزود: «هیئت ایران ناامید شده، ولی جلسات عمومی و کار کمیسیون سیاسی احساس انزوا کرده است؛ بنابراین، پیشنهاد‌های خود را پس گرفته و کنفرانس را طرد کرده است» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه ش ۶، ۱۳۶۷/۱/۶: ۳۱).

نماینده دائمی اردن در سازمان ملل متحد متن قطعنامه مصوب هفدهمین اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی - که اول تا پنجم فروردین ۱۳۶۷ در امان برگزار شده بود - را درباره جنگ ایران و عراق تسلیم سازمان ملل کرد. در بخشی از این قطعنامه که به جنگ ایران و عراق مربوط است و با نظر کشورهای حامی عراق در جنگ بویژه عربستان و اردن تهیه شده است، بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به آغاز جنگ توسط عراق و هم‌چنین گفتگوهای ایران با دبیرکل درباره جابه‌جایی بندهای قطعنامه ۵۹۸، ضمن حمایت از مواضع عراق از شورای امنیت خواسته شده است با ایران به دلیل نپذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ برخورد شود (خرمی، ۱۳۸۹: ۱۵۵ و ۱۵۴).

### نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق مشهود است، تداوم حمایت تمام‌قد اردن از عراق در طول جنگ هشت ساله است؛ بدین معنی که موضع‌گیری‌ها و حمایت‌های سیاسی شاه و مقامات اردن در این راستا بدون وقفه و رکود و تقریباً یکنواخت ادامه داشت. بنابراین حمایت اردن از عراق روند کاهشی نداشت؛ اما رفتار سیاسی این کشور در طول این هشت سال به نسبت فرایند جنگ متغیر بود. حمایت‌های اردن از عراق در همه سطوح وجود داشت، اما به دلیل وضعیت و اقتضات جنگ گاهی جنبه‌هایی از آن نمود بارزتری پیدا می‌کرد؛ به عبارت دیگر حمایت اردن از عراق متناسب با اوضاع جنگ همواره

تداوم داشت و دچار فراز و نشیب و شدت و ضعف یا تعدیل نشد؛ فقط در برهه‌ای بعد نظامی و در برهه‌ای دیگر بعد سیاسی آن فعالتر شد.

در این تحقیق، حمایت‌های سیاسی اردن از عراق در سه سطح مورد بررسی قرار گرفت:

در سطح توسعه روابط دو جانبه، عراق قبل از شروع جنگ به دلیل اقدام اردن در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و قرار گرفتن آن در جبهه مصر روابط مطلوبی با این کشور نداشت. از سوی دیگر با شروع جنگ، کشورهای عربی بویژه اردن از وضعیت مخاطره‌آمیزی که برای ایران ایجاد شده بود نه تنها خشنود بودند، بلکه با حمایت از عراق در سطوح مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و... درصدد برچیدن حکومت اسلامی نوپای ایران برآمدند که خطری بالقوه برای کشورهای محافظه‌کار عرب به شمار می‌آمد. بنابراین اردن در منازعه میان ایران و عراق به دلایل ایدئولوژیک و راهبردی، طرف عراق را گرفت. سفرهای متعدد ملک حسین و مقامات عالی‌رتبه اردن به بغداد، بیانگر عمق حمایت اردن از عراق در این سطح است.

در سطح منطقه‌ای (جهان عرب)، عراق کوشید جنگ ایران و عراق را جنگ میان فارس و عرب و ناسیونالیسم عربی و دشمنانش جلوه دهد. برای همین مقصود، مسائل را به طور نمادین گسترش داد تا منازعه‌ای دو طرفه را به صورت جنگ نژادی (عربی - فارسی) درآورد. اردن از جمله کشورهایی بود که عراق را مدافع جناح شرقی اعراب می‌دانست و گذاشتن تمام بار جنگ بر دوش عراق را غیرعادلانه می‌خواند. این کشور از یک سو در مجامع عربی و برای قدرتهای منطقه‌ای از اهمیت جایگاه عراق سخن می‌گفت و زیاده‌رویهایش را معذور می‌دانست و از سوی دیگر در راستای ایجاد جبهه متحد عربی می‌کوشید، کشورهای سوریه و لیبی را از ایران جدا سازد و به عراق نزدیک سازد؛ اما با وجود تلاش‌های این کشور این اقدام نیز به دلیل اختلافات اصولی دو کشور به نتیجه نرسید.

در سطح بین‌المللی نیز اردن درصدد برآمد با اعمال نفوذ در مجامع مختلف جهانی و بین‌المللی چهره صلح‌طلبانه‌ای از عراق به نمایش بگذارد و این کشور همزمان تلاش کرد ایران را تهدیدی علیه صلح و ثبات بین‌المللی معرفی کند و در این راستا از هیچ اقدامی دریغ نکرد. مصداق بارز این مداخلات، نقش اردن در تصویب قطعنامه‌های ۵۱۴، ۵۲۲ و ۵۴۰ و در نهایت فشار به ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود.



## منابع

- اردستانی، حسین (۱۳۸۲). **تکاپوی جهانی برای توقف جنگ**. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۵۲. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- انصاری، مهدی؛ یزدانفام، محمود (۱۳۸۷). **جنگ محدود ایران و امریکا در خلیج فارس**. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۵۱. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- انصاری، مهدی؛ یکتا، حسین (۱۳۷۵). **هجوم سراسری**. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۱۰. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- ایزدی، یدالله (۱۳۹۲). **عملیات والفجر ۱۰؛ بمباران شیمیایی حلبچه، فشار جهانی به ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸**. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۵۴. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ایوانز، گراهام؛ نونام، جفری (۱۳۸۱). **فرهنگ روابط بین‌الملل**. ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی. تهران: میزان.
- پلینو، جک؛ آلتون، روی (۱۳۷۵). **فرهنگ روابط بین‌الملل**. ترجمه حسن پستا. تهران: فرهنگ معاصر.
- جمشیدی، محمدحسین؛ یکتا، حسین؛ نخعی، هادی؛ فوزی، یحیی (۱۳۷۴). **سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق**. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران: معاونت تحقیق و پژوهش.
- حسینی، مختار (۱۳۸۲). **نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق**. فصلنامه **نگین ایران**. س اول. ش چهارم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- خبرگزاری پارس. **نشریه گزارش‌های ویژه**. شماره ۱۳۹. تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۴. ص ۳ و ۴. بغداد. آسوشیتدپرس. ۱۳۵۹/۵/۱۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی. **نشریه گزارش‌های ویژه**. ش ۲۲۷. ۱۳۶۲/۸/۱۱. ص ۲۴ و ۲۵. رادیو بی‌بی‌سی. ۱۳۶۲/۸/۱۰.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی. **نشریه گزارش‌های ویژه**. ش ۶. ۱۳۶۷/۱/۶. ص ۳۱. منامه. خبرگزاری فرانسه. ۱۳۶۷/۱/۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی. **نشریه گزارش‌های ویژه**. ش ۱۳۸. ۱۳۶۵/۵/۱۴. ص ۱۰ - ۸. بغداد. خبرگزاری فرانسه. ۱۳۶۵/۵/۱۳.
- روزنامه ابرار. ۱۳۶۴/۹/۲.
- روزنامه اطلاعات. ۱۳۶۴/۹/۲۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی. ۱۳۵۹/۶/۲۶.
- روزنامه رسالت. ۱۳۶۵/۴/۲۲.
- روزنامه کیهان. ۱۳۵۹/۶/۱۰.
- روزنامه کیهان. ۱۳۵۹/۶/۲۵.

روزنامه کیهان. ۱۳۵۹/۸/۷.

روزنامه کیهان. ۱۳۵۹/۶/۹.

روزنامه کیهان. ۱۳۵۹/۵/۲.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۹). عراق، ساختارها و فرایند گرایشهای سیاسی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. فراهانی، حمیدرضا (۱۳۹۳). نخستین گام به سوی فتح فاو. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۳۹/۱. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

فوزی، یحیی؛ لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۷۸). در تدارک عملیات سرنوشت ساز. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۴۳. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۸۱). عبور از مرز. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۲۰. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۸۷). تصویب قطعنامه ۵۹۸؛ زمینه‌های سیاسی و نظامی. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۴۹. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۹۱). عملیات مسلم‌بن‌عقیل. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۲۱. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۹۴). عملیات والفجر ۱. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۲۴. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). نظام دو قطبی و جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (۱۳۸۹). جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل، ترجمه محمدعلی خرمی. ج ۸. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

نعمتی، یعقوب؛ کریمی، حجت‌الله؛ اکبرپور، محمدجواد (۱۳۹۴). آماده‌سازی عملیات والفجر ۴. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۲۷. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

وزارت امور خارجه (۱۳۶۷). اردن. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یزدانفام، محمود (۱۳۷۸). اسکورت نفتکش‌ها. روزشمار جنگ ایران و عراق. ج ۵۰. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

